

محمدعلی زارع، مدیر کل فرهنگی دانشگاه تهران از حضور حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی، رئیس قوه قضائیه برای حضور در مراسم ۱۶ آذر این دانشگاه خبر داد. او افزود: «این دعوت از سوی ۴ تشکل بسیج دانشجویی، جامعه اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی دانشجویان مستقل و جنبش عدالت‌خواه دانشگاه تهران صورت گرفته است.» جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران نیز از پرویز فتاح برای سخنرانی به مناسبت روز دانشجو دعوت کرده است. این برنامه روز دوشنبه، ۱۸ آذر ماه، از ساعت یک ظهر تا ۳ بعدازظهر در تالار شیخ انصاری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار می‌شود.

گزارش «شهروند» از آرامگاه شهدای ۱۶ آذر در امامزاده عبدالله در جست‌وجوی سه قطره خون



عکس‌ها: مهدی حسینی / شهروند

۶ برداشت از ۱۶ آذر ۲۲

• گزارش روزنامه اطلاعات در روز شانزدهم آذر ۱۳۳۲: «ساعت دو بعدازظهر امروز خبرنگار ما به بیمارستان شماره ۲ ارتش مراجعه کرد و اطلاع یافت که سه نفر از مجروحان حادثه امروز دانشگاه آقایان مصطفی بزرگ‌نیا و شریعت‌رضوی بر اثر اصابت گلوله به ناحیه ریه و سینه و خون‌ریزی شدید فوت کرده‌اند. جنازه مقتولان ساعت ۲ و ۱۰ دقیقه بعدازظهر برای تعیین علت مرگ به اداره پزشکی قانونی منتقل شد. آقای احمدقندچی یکی دیگر از مجروحان که اینک در بیمارستان بستری می‌باشد، حالش خطرناک است و به‌طوری که پزشکان معالج اظهار می‌دارند امید بهبودی او نیز کم است.»

• دکتر چمران که از دانشجویان دانشکده فنی بوده و در روز حادثه در کلاس درس حضور داشته است، در خاطرات خود این روز را این‌گونه توصیف می‌کند: «صبح ۱۶ آذر هنگام ورود به دانشگاه، دانشجویان متوجه تجهیزات فوق‌العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شدند، وقوع حادثه‌ای را پیش‌بینی می‌کردند. آنها نقشه کشتن و شقه کردن دانشجویان را کشیده بودند و این دستور از مقامات بالاتری به آنها داده شده بود.»

• خبر واقعه ۱۶ آذر به‌سرعت در تمام تهران پخش شد و همان روز پلیس از رادیو اعلام کرد: «عده‌ای از دانشجویان در کلاس‌های درس نشسته بودند و به پلیس چهره خشنی نشان می‌دادند و پلیس را مسخره می‌کردند و این باعث شده که پلیس به واکنش بيفتد. پلیس قصد زدن دانشجویان را نداشت اما دانشجویان به پلیس حمله کردند و می‌خواستند اسلحه‌شان را بگیرند. پلیس در قالب دفاع این کار را کرده و قصدش زدن دانشجویان نبوده است.»

• برادر شهید شریعت‌رضوی (غلامرضا) می‌گوید: «بعد از شهادت این سه تن به ما اجازه بر گزار کردن شب سوم در خانه‌هایمان را هم ندادند اما در مراسم چهلم به خاطر پافشاری زیادی که کردیم فقط ۵۰۰ کارت که مهر حکومت نظامی روی آن خورده بود به من دادند. هر کس می‌خواست به طرف امامزاده عبدالله برود کارت‌ش را کنترل می‌کردند.»

• برادر شهید بزرگ‌نیا نیز می‌گوید: «از طریق علم، شاه‌به‌پدرم تسلیمت گفت و پیغام داد ۲۰۰ هزار تومان خون‌بها بدهند که جواب رد دادیم؛ بعد می‌خواستیم مجلس ختم و شب هفت بگیریم، مخالفت کردند تا اینکه خودم پیش سررتیب بختیار، فرماندار نظامی، رفتم و متعهد شدم اگر اتفاقی افتاد خودم مسئول باشم.»

• صبح ورود نیکسون یکی از روزنامه‌ها در سرمقاله خود تحت عنوان «سه قطره خون» نام‌های سرگشته به نیکسون نوشت: «هرگاه دوستی از سفر می‌آید یا کسی از زیارت بازمی‌گردد یا شخصیتی بزرگ وارد می‌شود ما ایرانیان به فراخور حال در قدم او گاو و گوسفندی قربانی می‌کنیم؛ آن‌گاه نویسنده گفته بود که آقای نیکسون! وجود شما آن قدر گرمی و عزیز بود که در قدم شما سه نفر از بهترین جوانان این کشور یعنی دانشجویان دانشگاه اقراربانی کردند.»

«عباس مسعودی»، «توران میرهادی» «دوستعلی میری»، «حسین قوللر آغاسی» و «محسن مقدم مهدی طباطبائی»، اما این روزها جست‌وجوی نام‌ها در زمین ۱۴ هکتاری امامزاده عبدالله (ع) ممکن نیست.

در جست‌وجوی قبری که پیدا نمی‌کنیم
برای جست‌وجو باید به سراغ مسئول امامزاده عبدالله (ع) رفت. در اتاق دست‌چپ دفتر امامزاده عبدالله (ع) چند نفر در حال بررسی نقشه‌ها هستند و ادامه روند عملیات عمرانی را مرور می‌کنند. سعید کریمی تولیت آستان مقدس امامزاده عبدالله (ع) در این‌روزهاست. او ۱۰ روز است که متولی این حرم شده است. کریمی توضیح می‌دهد که اینجا تابلو داشته و به مرور زمان از بین رفته است: «من این مسئله را پیگیری خواهم کرد، چهره‌های دفن‌شده در این امامزاده مشاهیر کشور هستند و باید گرمی داشته شوند. او ادامه می‌دهد: «هر ساله در حوالی آذرماه سالگرد شهدای سه قطره خون در این آرامگاه برگزار می‌شود و امسال هم هماهنگی‌هایی با فرمانداری و وزارت علوم داشته‌ایم.» آقای کریمی ادامه می‌دهد: «در مورد آرامگاه خانوادگی ما محتاط هستیم، مبادا تغییر مقبره‌ها باعث دلخوری بازماندگان قبور شود. اما باید رسیدگی کرد و ما این را هم حتما دنبال خواهیم کرد.»

تاریخ فراموش شده
قدم می‌زنم در بین تکه‌سنگ‌ها و خیره می‌شوم به آنها که حالا بخش از یادرفته این تاریخ چند صد ساله‌اند. اینجا بخشی از تاریخ فراموش شده ما است که این روزها انگار هیچ‌کس قصد حفر زدن در مورد آن را ندارد. در حوالی ۱۶ آذر در امامزاده عبدالله (ع) همه قبرها ساکت‌اند؛ ساکت و بی‌نشان.

هر حیاط یک نگهبان دارد، یکی از نگهبانان قدیمی امامزاده که دوست نداشت نامش فاش شود، می‌گوید: «من این شغل را از پدرم به ارث برده‌ام. از اوایل دهه ۵۰ سرایدار این آرامگاه‌ها شدم؛ اینجا پر شده از معتادان. برای ساماندهی شان مسئولان اینجا به همه جا نامه نوشتند اما به نتیجه نرسیدند.» نگهبان معتقد است: «بعد از تخریب اینجا، قبرها به‌حدی گود شده‌اند که می‌توانید یک جنازه جدید در آنها خاک کنید.»

چهره‌ها خفته در خاک

قبرستان امامزاده «عبدالله» نامش با تاریخ و فرهنگ طهران قدیم گره خورده، آن قدر که نشان هر کس را بگیری به این قبرستان در شهر ری ختم می‌شود. مجموعه گورستان امامزاده عبدالله (ع) چهارده اردیبهشت ۷۸ در فهرست آثار ملی کشور ثبت شده است. گورستان این امامزاده ۱۴ هکتار است و به سبک دوران صفویه و قاجار ساخته شده است. هنوز گورستان‌های معتبر و قدیمی بسیاری در داخل شهرهای بزرگ باقی مانده‌اند. گورستان‌هایی که شناسنامه شهر هستند و خاطراتی جدانشدنی با شهر دارند. اینجا نام‌های مردگان در هم آمیخته است. تا چند سال پیش می‌شد بر قبرهای این گورستان نام‌هایی را دید که این روزها اثری از آنها نیست؛ نام‌هایی که هر کدام صفحه‌ای از تاریخ معاصر ایران را می‌توانند خواش کنند؛ نام‌های همچون «تقی ارانی»، «احمد اختر»، «حسین امیرفضلی»، «مهدی برکشلی»، «ادیب پیشاوری»، «عبدالحسین تیمورتاش»، «شیخ خزعل»، «علی دشتی»، «صادق سرمد»، «اسکندر میرزا اولین رئیس جمهوری پاکستان»، «علی‌اکبر شهنازی»، «عمادالکتاب» «پوران شریعت‌رضوی».

بود که اجازه برگزاری مراسم را نمی‌دادند.» حاج عبدالله گلایه دارد، حرف گورستان که پیش می‌آید، احم می‌کند و با ابروهای گره‌خورده می‌گوید: «حالا می‌روی داخل می‌بینی، اصغر تفکری یازگی قدیم، شهیدی، سحابی همه اینجا دفن شده‌اند؛ اما دریغ از یک تابلو و یک نشان. بعضی از مقبره‌ها دزدیده شده، بعضی تخریب شده، داخل برخی از آرامگاه خانوادگی پر شده از زباله، ته سیگار و سُرنگ. حالا بروی داخل خودت می‌بینی.»

در جست‌وجوی سه قطره خون

گورستان امامزاده عبدالله (ع) ۱۴ هکتار وسعت دارد و از چند حیاط تشکیل شده است. آرامگاه‌های خانوادگی با معماری قاجاریه، پهلوی اول و دوم شکل گرفته است. نبود تابلو و نشان یافتن مزار چهره‌های سرشناس را سخت کرده است. مزار سه دانشجوی شهید در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در شمال غربی آرامگاه قرار دارد. از لابه‌لای سنگ‌هایی که بر اثر مرور زمان مستهلک شده‌اند باید گذشت تا وارد حیاط پشتی امامزاده شد، برخی از ورودی‌ها بسته شده است. نداشتن تابلو یا نقشه آرامگاه یکی از مشکلات امامزاده عبدالله (ع) است. وضع آرامگاه‌های خانوادگی هم مناسب نیست. اگر از بخش غربی وارد قطعه‌ای دیگر در گورستان شوید با نگاهی به سنگ‌های سوخته و شکسته، سه سنگ گور تقریباً نو و براق «محمد بزرگ‌نیا»، «احمد قندچی» و «مهدی شریعت‌رضوی» در میان این همه سنگ از بین رفته، کار سختی نیست. تصویر رنگ و رو رفته هر سه آنها در کنار هم قرار دارد و بی‌اختیار آدم را به آذر ۲۲ می‌برد؛ داخل برخی مقبره‌ها تخریب شده و شیشه‌های شکسته است.

حسام خراسانی | پیرمرد زُل زد به روبه‌رویش و با صدای گرفته و بلند گفت: «دنبال چی اومدی؟ حالا ۶۶ سال از اون سال گذشته، الان حوالی آذر هم اینجا سوت و کوره. چه برسه به طول سال.»
حرف پیرمرد را سرفه مکررش قطع کرد، پیرمرد این‌بار با مکث کوتاه آهسته‌تر گفت: «اون اوایل، چون شپ ۱۶ آذر که می‌شد، شمع دست می‌گرفتن و از در و دیوار امامزاده عبدالله (ع) بالا می‌رفتن. آخه ساواک قدغن کرده بود، رفت و آمد رو. ولسی الان؛ بگذریم جوون. از همین جا ۱۰۰ متر جلوتر برو، اولین کوچه، دست چپ، تابلو داره، اسم خورده، کوچه امامزاده عبدالله (ع).»

اینجا همه بی‌نشان‌اند

سردر کوچه، روی یک تابلو نارنجی‌رنگ با قلم درشت نوشته شده: «کوچه امامزاده عبدالله (ع)» وارد کوچه که می‌شوی، چشم‌ها خیره می‌شود به گنبد فیروزه‌ای بقعه امامزاده عبدالله (ع)؛ گنبدی که درست در مرکز گورستان تاریخی قرار گرفته. در سمت راست کوچه یک گل‌فروشی و در سمت چپ کوچه یک سنگ‌تراشی قرار دارد. هر دو دکان عمری صد ساله دارند. حاج عبدالله، سنگ‌تراش هفتادو هشت ساله‌ای است که از سیزده سالگی در این کوچه سنگ تراشیده است. او دل پری دارد، حرف‌هایش را با شکوه شروع می‌کند: «بین جوان این گورستان دیگر آن گورستان قدیمی امامزاده عبدالله (ع) نیست. این خیابان پر بود از گل شمشاد. برداشتند گورستان را به قولی آیدیت کردند. این روزها آدم‌ها باید ساعت‌ها به دنبال نشانی از مزار عزیزان شان در گورستان بگردند که شاید آن را بیابند.» صدا در گلی پیرمرد می‌پیچد: «چند سال پیش حیاط اصلی امامزاده عبدالله (ع) با بولدوزر صاف شد، حوض وسط امامزاده را جمع کردند، بعضی از قبرهای قدیمی را شکستند و حیات را سنگ کردند. حالا سنگ‌قبرهای قدیمی کنده شده و سنگ‌هایی یک‌دست را جایشان گذاشته‌اند.» حاج عبدالله از اهالی محله هاشم‌آباد شهری ری است یک شاه‌عبدالعظیمی قدیمی. او از سال‌های دور می‌گوید از روزهایی که به قول خودش همه چیز اصالت داشتند: «دکان ما آن روبه‌رو بود. همان روبه‌رو سنگ‌مزار دکتر سحابی را آماده کردیم. آن زمان سنگ‌ها هم اصالت داشت، بعضی از سنگ‌ها وزن‌شان یک تن بود. چرخ دستی می‌آوردیم و سنگ را روی آن سوار می‌کردیم و چرخ را می‌کشیدیم.» سنگ‌تراش حرف‌هایش را با گرفتگی صدا ادامه می‌دهد: «بعضی از مردم با درسکه برای زیارت می‌آمدند. البته روزهای منتهی به ۱۶ آذر، اینجا پراز ما مور بود. اجاز نمی‌دادند آدم‌ها به حیاط پشتی امامزاده بروند. در آن زمان به قدری محیط خفقان



مزار شهید دانشجوی ۱۶ آذر سال ۳۳

حاج‌عبدالله سنگ‌تراش هفتاد و هشت ساله در حالی که تصویر پیرمرد جوانی را در دست دارد.